

# اعلم الدوله و

## روزنامه سفر سوم مظفرالدین شاه

### به فرنگ

#### معرفی نسخه دستنویس

○ نادره جلالی

قاجار، روزنامه سفر سوم مظفرالدین شاه به فرنگ را به رشته تحریر درآورد.<sup>۱</sup>

دکتر اعلم الدوله همزمان با جنبش مشروطه خواهی در ایران، به صف آزادیخواهان پیوست و در راه برقراری نظام مشروطه تلاش های ارزنده ای نمود که از آن جمله گرفتن امضاء نظام نامه مجلس از مظفرالدین شاه بود. قوام السلطنه طی نامه ای به سید محمد طباطبایی به این مسأله اشاره دارد و تصریح می کند: «خاطر مبارک را مستحضر می سازد که امروز اعلم الدوله با لطایف التحیل توانست نظامنامه مجلس ملی را به صحنه مبارک اعلیحضرت همایون شهریاری رسانید و نقشه معاندین را نقش بر آب نمود.»<sup>۲</sup>

اعلم الدوله با مرگ مظفرالدین شاه، به دستگاه شاهزاده ملک منصور میرزا شعاع السلطنه (پسر دوم مظفرالدین شاه) درآمد. چون محمد علیشاه بر تخت سلطنت جلوس کرد، درصدد برآمد تا مدارک طبیبی مبنی بر اختلال مشاعر مظفرالدین شاه در هنگام دادن فرمان مشروطیت را فراهم نماید و بدین ترتیب مجلس را منحل و مشروطیت را باطل کند. از این رو، از شعاع السلطنه برادر خود خواست که از اعلم الدوله امضایی مبنی بر اختلال مشاعر مظفرالدین شاه بگیرد. اما وی موفق به انجام آن کار نشد و اعلم الدوله به هیچ طریقی زیر بار این کار نرفت. به همین جهت محمد علیشاه دستور ضبط اموال وی را صادر کرد و بنای تهدید او را گذاشت. از این رو، اعلم الدوله با مساعدت میرزا حسن خان مشیرالدوله، وزیر امور خارجه وقت، همراه خانواده خود به ناچار ترک وطن گفت و به پاریس رفت و در آنجا «انجمن ایران جوان» را تشکیل داد.<sup>۳</sup> لازم به ذکر است که او قبل از رفتن به فرنگ، در

دکتر خلیل خان ثقفی ملقب به اعلم الدوله، پسر حاج میرزا عبدالباقی حکیم باشی ملقب به اعتضادالاطباء، پسر حاج اسماعیل بیگ طهرانی بود که در سال ۱۲۷۹ ه. ق. متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در دارالفنون به پایان برد (۱۳۰۵ ه. ق). سپس جهت تکمیل تحصیلات خود در رشته طب به پاریس رفت و در حدود ۱۳۱۶ ه. ق. یعنی در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به ایران بازگشت و به عنوان طبیب مخصوص مظفرالدین شاه به کار مشغول شد. ۱ در ۱۳۲۳ ه. ق. جزء ملتزمین رکاب مظفرالدین شاه در سفر به فرنگ بود. در این ایام بود که به فرمان شاه



دکتر خلیل خان ثقفی



همراهان مظفرالدین شاه  
در سفر دوم به اروپا

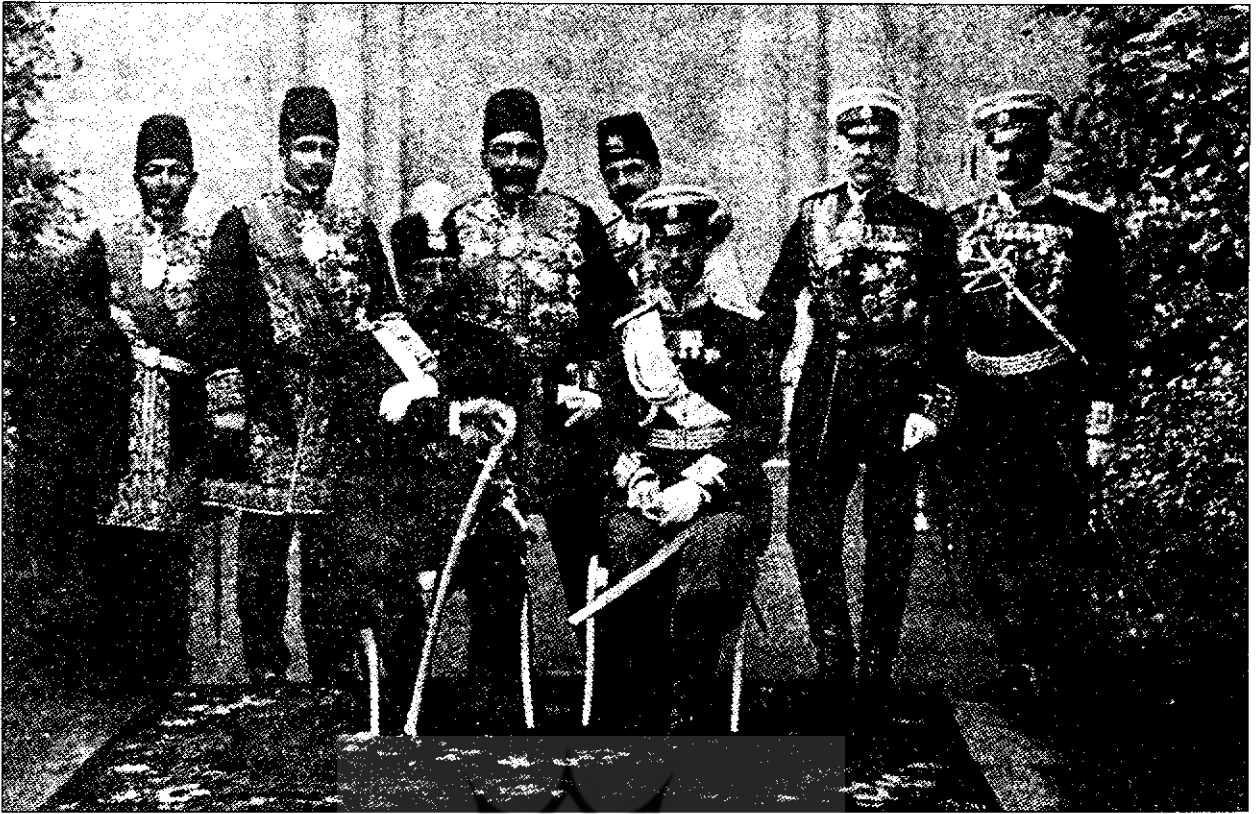
## دکتر اعلم الدوله همزمان با جنبش مشروطه خواهی در ایران، به صف آزادیخواهان پیوست و در راه برقراری نظام مشروطه تلاش‌های ارزنده‌ای نمود که از آن جمله گرفتن امضاء نظام نامه مجلس از مظفرالدین شاه بود

امامزاده عبدالله شهرری در آرامگاهی که متعلق به سعدالدوله بود به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup> اعلم الدوله، نزدیک به سی جلد کتاب در موضوعات مختلف به رشته تحریر درآورد. مقالات بسیاری در روزنامه «عصر جدید» که مدیریت آن با برادرش عبدالحمید خان متین السلطنه بود نوشت.<sup>۲</sup> وی چون به زبان فرانسه مسلط بود کتب مختلفی را از فارسی به فرانسه و همچنین بالعکس ترجمه کرد. از آثار اوست: هزار و یک شب، صد و پنجاه مقاله، یادگار عصر جدید، خردنامه جاویدان، (این اثر به خط خوش در ۱۳۳۸ ه. ق. در تهران چاپ سنگی شد)، ترجمه جلد دوم کتاب کنت منت کریستو، مقالات گوناگون (مجموع حکایات و حوادث و وقایع تاریخی در عهد قاجاریه خصوصاً ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه است که چون خود از نزدیک شاهد وقایع بود از این رو در تاریخ این دوران حائز اهمیت است)، هفتاد و یک مقاله معرفه الروح، کلید زندگی، فوائدالغنه (فرانسه - فارسی) و کتابی با نام Des delices Jardin (باغ سرور) که ترجمه‌ای است از بعضی داستان‌های شیرین شعرای فارسی چون نظامی، دهلوی و جامی که چندین بار در پاریس به چاپ رسید.<sup>۳</sup> اما اعلم الدوله علاوه بر این آثار، روزنامه سفر سوم مظفرالدین شاه به فرنگ را نیز به فرمان شاه قاجار تحریر کرد که در این مقال به معرفی این

ایران «انجمن سواد اعظم» را تاسیس کرده بود. «انجمن ایران جوان»، از افراد آزادیخواه مقیم خارج از کشور چون فریدون خان ملکم پسر میرزا ملکم خان ناظم الدوله، جلیل خان دبیرالدوله (برادر اعلم الدوله) تشکیل شده بود. از جمله اقدامات این انجمن، خنثی نمودن تبلیغات و عملیات خارجی محمدعلیشاه، تهیه و تنظیم شب‌نامه‌ها و اعلامیه‌ها بر ضد محمدعلیشاه و جلوگیری از فروش جواهرات سلطنتی بود.<sup>۴</sup>

اعلم الدوله پس از فتح تهران و خلع محمدعلیشاه از سلطنت، مجدداً به ایران بازگشت و به هنگام نیابت سلطنت علیرضاخان عضدالملک قاجار، به ریاست اولین بلدیة (شهرداری) قانونی انتخاب شد. اما دیری نپایید که از آن مقام استعفا داد. سپس سمت سرکنسولی ایران در سویس را یافت.

پس از بازگشت به وطن، مدتی مدیر کل امور معارف و بعد به معاونت آن وزارتخانه منصوب شد (۱۳۰۴ ش). از دیگر مشاغل وی ریاست کل حفظ الصحه مملکتی را نیز باید نام برد. اعلم الدوله سپس از کارهای دولتی کناره گرفت و در اواخر عمر «انجمن معرفه الروح» را دایر کرد که خود ریاست آن را به عهده داشت. وی سرانجام در ۱۷ فروردین ۱۳۲۳ ش / ۱۳۶۲ ه. ق. دارفانی را وداع گفت و در



## دکتر خلیل خان ثقفی ملقب به اعلم الدوله، در سال ۱۳۲۳ ه. ق. جزء ملتزمین رکاب مظفرالدین شاه در سفر به فرنگ بود و در این ایام بود که به فرمان شاه قاجار، روزنامه سفر سوم مظفرالدین شاه به فرنگ را به رشته تحریر درآورد

سفرنامه و وجوه ارزشی آن پرداخته می‌شود.

مشخصات نسخه خطی کتاب اعلم الدوله و روزنامه سفر سوم مظفرالدین شاه به فرنگ

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين - به توفيق حضرت يزدان و خواست خداوند کون و مکان به تاريخ يکشنبه دويم ربيع الاول سنه ۱۳۲۳ ه. ق. شروع به نوشتن اين سفرنامه می‌شود که سفرنامه سيم فرنگستان است. امروز که يکشنبه دويم ربيع الاول هزار و سيصد و بيست و سه است از طهران عازم مسافرت به فرنگستان خواهيم بود...»

خط: نستعلیق

کاغذ: فرنگی

قطع: سلطانی به ابعاد ۲۶×۲۲×۵ سانتی‌متر

۲۴۰ برگ، ۱۷ سطر

جلد: ابری مخمل لولادار گوشه برنجی

پایان: در این سفر به ما خیلی خوش گذشته، مقاصد صحیه و پلیتیکی خود را در کمال خوبی انجام داده، مخصوصاً از خدمت اتابک اعظم که منتهای درجه جانفشانی و کاردانی را به خرج داده و از خدمات وزیر دربار اعظم و سایر ملتزمین رکاب رضایت خاطر داشته، این سفرنامه را

که خودمان فرمایش کرده و اعلم الدوله می‌نویسد به اینجا ختم نموده، شکر خدا را بجا می‌آوریم. شعبان ۱۳۲۳ ه. ق. تعداد ۶۴ عدد عکس راجع به ضیافت‌ها و مهمانی‌ها، مناظر طبیعی و ابنیه در لابلای مطالب سفرنامه دیده می‌شود.

با مرگ ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ه. ق. مظفرالدین شاه بر تخت سلطنت جلوس کرد. علیرغم این که ناصرالدین شاه برای تعلیم و تربیت او در امور سیاسی تقریباً بهترین افراد را انتخاب کرده بود ولی او عاقبت به واسطه کندذهنی نتوانست رفتاری درخور پادشاهان از خود نشان دهد. سلطنت ده ساله او مقارن با سال‌های حساس و بحرانی اواخر قرن ۱۹ و اوایل دهه ۲۰ م. بود که دوران صلح مسلح نامیده شد و او به جای آنکه تدبیری برای اوضاع نابسامان مملکت ببیند در فکر مظالم و مقاصد خود و سفر به فرنگ بود و در راه تحقق آمال خویش بسیاری از ثروت مملکت را به باد داد. مظفرالدین شاه این پادشاه بوالهوس و ولخرج قاجاری آلتی در دست فرمانفرما، عین الدوله و امین‌السلطان و درباریانش بود و در دوران سلطنت خود جهت رفتن به فرنگ، وام از روس‌ها گرفت و بدین ترتیب قدرت آنان را در مملکت فزونی بخشید و کیسه درباریان خود را از پول ملت پر کرد تا جایی که

نشسته از چپ به راست:  
مظفرالدین شاه - شاهزاده ایوان پ. نیکلا (مهماندار) ایستاده از چپ به راست، سیدعلی خان موثق الملک صندوقدار - میرزا محمود خان حکیم الملک وزیر دربار میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم -

پرنس میرزا رضاخان ارفع الدوله - نفر ۵ و ۶ دو تن از افسران ارشد روسیه (عکس در سال ۱۹۰۰ میلادی = ۳۱۷ قمری در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا در روسیه برداشته شده است.)



مظفرالدین شاه قاجار  
در لباس رسمی

سومین سفر مظفرالدین شاه  
به فرنگ در ۱۳۲۳ هـ. ق. / ۱۹۰۵ م.  
در زمان جنگ روسیه و ژاپن بود که  
به جهت معالجه و تفریح انجام شد  
و این در حالی بود که  
اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور  
در شرایط نامطلوب قرار داشت و  
تا آن هنگام چندین قرضه خارجی  
گرفته شده بود.  
ابتدا هیچ یک از دول اروپایی  
حاضر به پذیرایی رسمی از  
مظفرالدین شاه در سفر سوم  
به فرنگ نبودند،  
زیرا منافع سیاسی و  
تجاری خاصی در ایران نداشتند

حرفی تازه برای گفتن نداشت جز آن که مسایل پیش‌یافتاده‌ای را مطرح کند که برای ملت و تاریخ ایران فاقد ارزش باشد.

سفر اول وی در اواخر ۱۳۱۷ هـ. ق. / ۱۹۰۰ م. برای تماشای نمایشگاه بین‌المللی Exposition صورت گرفت که هفت ماه و بیست روز به طول انجامید (یکشنبه دوم شعبان ۱۳۱۸ هـ. ق.)<sup>۱۳</sup>

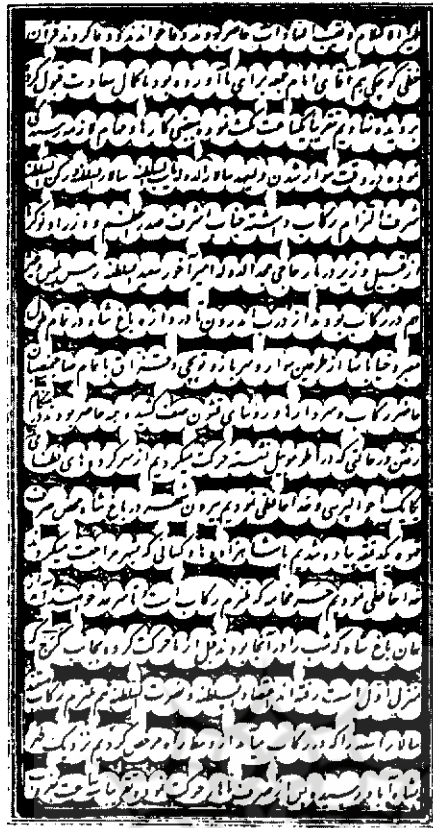
گزاریه پاولی که مدت بیست و پنج سال از طرف وزارت داخله فرانسه مأموریت داشت تا از پادشاهان و شاهزادگانی که به عنوان گردش یا مهمانی به فرانسه می‌آمدند پذیرایی نماید و به اصطلاح جزء راهنمای رسمی و نگهبان مخصوص آنان باشد در کتاب خود اعلیحضرت‌ها که شرح مصاحبت خود با دوازده تن از این مهمانان من جمله ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه است راجع به مظفرالدین شاه می‌نویسد:

«پس از آمدن شاه به پاریس و آشنا شدن من با خصوصیات اخلاق این مهمان تازه وارد فهمیدم که تمام این وحشت‌های من بیجا بود. در ایران پادشاهان برجای یکدیگر می‌نشینند، ولی خدا را شکر که به یکدیگر شبیه نیستند چنانکه مظفرالدین شاه هم با پدر خود هیچ اشتراکی نداشت. به این معنی که این پادشاه درحقیقت طفلی مسن بود. از یک طرف هیکل‌درشت و سیبل‌های پریش و چشمان گرد پر از مهر و شکم گنده و چاقی ظاهر او جلب توجه می‌کرد و از طرفی ذهن کهنه‌پرست و هوش ضعیف او. از جهت میزان فکر و فهم یک بچه مدرسه‌ای دوازده

تاج‌السلطنه در خاطرات خود در این باره می‌نویسد:  
«در این ایام صحبت مسافرت برادرم به فرنگستان بود و مشغول مذاکره استقراض بودند. خیلی به سرعت تمام پول مملکت و ذخیره‌های پدر را از پول و جواهر، برادرم به مصرف رسانیده و در مدت یک سال تمام نوکرها و اجزای لات او دارای پارک و عمارت و پول‌های گزاف شده بودند و این بدبخت مال ملت بیچاره را در میان ده دوازده نفری تقسیم کرده بود».<sup>۱۴</sup>

به هر ترتیب او سه سفر به فرنگ کرد که از طرفی جز مبالغه‌گرافی قرض دیگری برای ایرانیان نداشت و از سوی دیگر رفتار کودکانه و نابخردانه او و همراهانش نیز سبب سرشکستگی ملت بود و رسوایی‌هایی به بار آورد که شرح آن در کتب تاریخی آن عصر ثبت شده است. باری اگر بزرگترین رخداد تاریخ ایران یعنی انقلاب مشروطیت در عصر او به وقوع نمی‌پیوست و او فرمان مشروطیت را امضا نمی‌کرد شاید نامش فقط در حد شاهی عیاش و ناتوان در اداره امور مملکت در میان کتب تاریخی این مرز و بوم خودنمایی می‌کرد و کسی از آمدن و رفتن او باخبر نمی‌شد. زیرا به قول مؤلف *مرآة‌الوقایع مظفری*، او سه چیز را در دنیا دوست می‌داشت و سایر چیزهای عالم در نظر وی پوچ بود. آن هم خوردن، شکار کردن و زن‌بارگی بود.<sup>۱۵</sup> مظفرالدین شاه دومین شاه قاجاری بود که به فرنگ سفر کرد و شرح وقایع آن سفرها را همچون پدر خویش به رشته تحریر درآورد، اگرچه همچون سفرنامه‌های ناصرالدین شاه خالی از مطالب مهمی راجع به سیاست داخلی و خارجی بود و





ساله داشت...»<sup>۱۲</sup>

سفر دوم در ۱۳۲۰ هـ. ق. به مدت شش ماه و بیست روز (۲۹ ذی حجه ۱۳۲۰ تا ۲۱ رجب ۱۳۲۱ هـ. ق) بود.<sup>۱۳</sup> ادوارد براون راجع به این سفر می‌نویسد: «به سبب دومین استقرار خطیر ایران از روسیه، که اینک به عینه سنگ آسیاب بر گردن این کشور سنگین می‌کند، قابل توجه و بررسی است.»<sup>۱۴</sup> حاصل و پیامد این سفر به قول تاج‌السلطنه تنها چند قسم اسلحه بود که به پیشنهاد ممتازالسلطنه سفیر مقیم در پاریس اتباع شد و یک سفرنامه از قلم خود شاه قاجار<sup>۱۵</sup> که نوشته شد. البته باید بر گفته‌های تاج‌السلطنه، دسته‌گل‌هایی که به آب داد و باعث سرافکنده‌گی ملت ایران شد و خود حاکی از عدم شعور و لیاقت او در مقام شاه مملکت بود نیز افزوده گردد. گواه این مدعا خاطره‌ای است که پاولی از سفر دوم وی به پاریس نقل می‌کند و میزان شعور و آگاهی این شاه قاجاری را به تصویر می‌کشد:

«یک روز در سفر دوم او به پاریس موقعی که بر او وارد شدم، او را سخت مضطرب دیدم. اعلیحضرت دست مرا گرفت و نزدیک پنجره آورد و گفت: پاولی می‌بینی؟ من هرچه پائین را نگاه کردم هیچ چیز فوق‌العاده ندیدم فقط سه نفر بنا را دیدم که به آهستگی با یکدیگر صحبت می‌کردند. شاه گفت عجب این سه نفر را نمی‌بینی؟ قریب یک ساعت است که اینجا با هم صحبت می‌کنند و قصدشان این است که مرا بکشند. من که نزدیک بود از خنده بترکم به زحمت جلو خود را گرفتم و برای آن که

خاطر ملوکانه تسکینی باید به دروغی متوسل شدم و گفتم که من این بیچاره‌ها را می‌شناسم و اسامیشان را هم می‌دانم، سه نفر عمه‌اند و با کسی کاری ندارند. شاه را از این گفته مسرتی فوری دست داد و با نظری که آثار امتنان از آن ظاهر بود گفت عجب پس تو همه مردم را می‌شناسی.»<sup>۱۶</sup>

اما مسافرت سوم او به فرنگ در ۱۳۲۳ هـ. ق / ۱۹۰۵ م. در زمان جنگ روسیه و ژاپن بود که به جهت معالجه و تفریح انجام شد و چنان که گذشت این در حالی بود که اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور در شرایط نامطلوب قرار داشت و تا آن هنگام چندین قرضه خارجی گرفته شده بود. ظاهراً ابتدا هیچ‌یک از دول اروپایی حاضر به پذیرایی رسمی از او در این سفر نبودند، زیرا منافع سیاسی و تجاری خاصی در ایران نداشتند.

احتشام‌السلطنه در خاطرات خود در این باره می‌نویسد: «دول اروپا دیگر قبول نمی‌کنند شاه را بطور رسمی بپذیرند و باز شاه منصرف نشده، بطور غیررسمی می‌رود. دولت روسیه نپذیرفت و متعذر شدند که در بلاد روس اغتشاش داخله برپا است. دولت آلمان و اطریش نیز گفتند ما وقت پذیرایی نه رسمی و نه غیررسمی نداریم. اراده عزیمت به لاهه فرمودند، دولت هلند معذرت خواست.»<sup>۱۷</sup> اما بعد دولت روسیه و اطریش از او دعوت رسمی به عمل آوردند و دولت‌های دیگر هم به افتخار ورودش یک شب مهمانی رسمی دادند. بدین ترتیب مظفرالدین شاه که همیشه در گردش بود



رفاهیت رسیده، اجناس فراوان، امنیت حاصل، آسودگی کامل و ولیعهد مشغول انجام خدمات ارجاع شده است.» این در حالی است که مؤلف مرآةالوقایع مظفری می‌نویسد:

«عشر دوم ربیع‌الاول ۱۲۲۳ هـ. ق. در تهران نان گران بود و زنها به این مسأله اعتراض داشتند. ولیعهد هر کاری می‌کند برای رفع این اشکال، کاری نمی‌تواند بکند.» مظفرالدین شاه در این سفرنامه عقاید خود را در باب عده‌ای از رجال معروف مملکت به طور صریح بیان داشته که از خلال این مطالب طبعاً می‌توان به نحوه قضاوت و موارد دوستی و دشمنی او پی برد. وی درباره عین‌الدوله اینگونه داد سخن می‌دهد:

«فی الحقیقه، صدراعظم نوکری است که به این کفایت و درایت کمتر پیدا شده و مواظف و پشتکار او طوری است که از صبح تا ساعت چهار از شب گذشته تمام را مشغول نوشتن و خواندن و ترتیب امور مهم عمده بوده و هست. هیچیک از صدور سابق این قسم پشتکار نداشته‌اند.» یا

«دستخطی به جناب اشرف صدراعظم نوشته، نشان تقدس که بالاترین امتیازات دولتی و مخصوص خانواده سلطنتی و سلاطین است به او مرحمت فرمودیم. عین‌الدوله صدراعظم، قریب چهل سال است که نوکر مخصوص ما است. همه وقت مشغول خدمات بوده، درجات نوکری را از روی صدق و لیاقت و مقامات جانفشانی را از راه درستی و کفایت پیموده، مصدر خدمت‌های بزرگ بوده، همه وقت تکلف خود را به طوری ادا نموده و انجام داده است که مطبوع خاطر ما واقع شده، ادارات یا حکومت‌هایی را که به عهده کفالت او سپرده شده بود در هر وقت با کمال

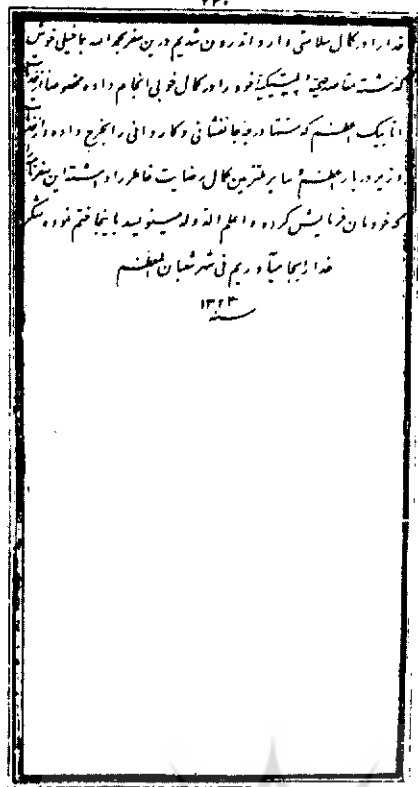
ولی مرتباً شکوه می‌کرد که اینجا جای گردش نیست و تنها در فرنگ است که شخص راحت و آزاد گردش می‌کند، ۱۹ همراه تعداد زیادی از رجال منتقد آن روزگار و خدمه و حرم خود، راهی دیار فرنگ شد.

ملنزمین رکاب او در این سفر ابوالقاسم خان ناصرالملک، ناصرالدین میرزا نصره‌السلطنه، عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، میرزا حسن خان محتشم‌السلطنه، حکیم‌الممالک، دکتر شیندر... و دکتر علم‌الدوله بودند که وی مأمور نوشتن شرح وقایع روزانه ایام سفر از قول شاه قاجار شد و علاوه بر آن به عنوان طبیب مخصوصش نیز خدمتگزاری می‌کرد.

ماحصل این سفر همچون سفرهای قبلی، تنها نگارش یک سفرنامه بود که به سفرنامه سوم او به فرنگ مشهور شد. این اثر مطالبی راجع به حرکت شاه از تهران تا خروج از سرحد، عبور از خاک روسیه و اقامت در اتریش، اقامت در کنطرکسیول، اقامت در پاریس و بازگشت به وطن را دربردارد و اطلاعاتی راجع به احوال و خلیقات شاه و نظر وی نسبت به رجال منتقد آن روزگار، اوضاع جغرافیایی نواحی مختلف داخل و خارج کشور، آداب و رسوم، موزه و دیدن آثار تاریخی آن به خواننده عرضه می‌دارد. ولی در کنار آن به ذکر مطالبی کم‌اهمیت چون شرح بیماری، متر کردن طول و عرض خیابان‌های فرنگ، بازی، سرگرمی، شکار، خرید وسایل و... نیز پرداخته است. در پاره‌ای از موارد گاه‌ا اطلاعات غلطی ارائه می‌دهد که یا حاکی از عدم اطلاع او از مسائل است یا دانسته به ذکر آن می‌پردازد من‌باب مثال:

«۵ شنبه ۱۳ ربیع‌الاول از منجیل به رستم‌آباد. ... چند تلگراف از تهران شامل اخبار سلامتی و

رئیس و معلمان مدرسه نظام از راست: عباس اقبال، ضیاء‌الواعظین، یوسف ریشار، سرتیپ محمدخان امیرموتق، رئیس مدارس نظام، اعلم‌الدوله ثقفی، سرهنگ علاء‌السلطان، میرزا احمدخان متین‌الدوله (دکتر متین دفتری)



که به محمدعلی میرزا ولیعهد و امیرنظام گروسی داد، توانست جان سالم به در برد.<sup>۲۶</sup> از دیگر نکاتی که با خواندن این اثر می‌توان بدان پی برد، تلاش مظفرالدین شاه برای آموختن زبان فرانسه و تکلم بدان است که خود در جای جای مطالب سفرنامه بدان اشاره دارد. بطور مثال هنگامی که از کرج به ینگی امام سفر می‌کند اظهار می‌دارد: «... در ابتدای حرکت تقریباً تا یک فرسخ طی مسافت، اعلم‌الدوله در رکاب و در همان حال مشغول خواندن درس فرانسه و مذاکره بودیم.»<sup>۲۷</sup> یا «در فرانسه با مدیر روزنامه فیگارو [روزنامه معروف انتقادی که در ۱۸۲۶ م. در فرانسه منتشر شد] یعنی مسیو کامله دیدار و با زبان فرانسه با او صحبت کردیم.»<sup>۲۸</sup> سپس در جای دیگر ادامه می‌دهد: «اعلم‌الدوله قدری روزنامه فرانسه خوانده و ما ترجمه کردیم. تقریباً یک دوره شرح محاصره پُرت آرطور [نام بندری در سواحل شرقی سیبری متعلق به روسیه که در جنگ این کشور با ژاپن در ۱۹۰۴ م. به دست ژاپنی‌ها افتاد] من البدو الی الختم ترجمه نمودیم.»<sup>۲۹</sup> شاه قاجار ظاهراً علاقه‌ای به شعر و شاعری نیز داشته، تا آنجا که می‌گوید: «امشب با پیشخدمت‌های مخصوص خودمان که تمامی نوکرهای بسیار خوب ما هستند، نشسته شاعره نمودیم. در مشاعره ما غلبه کردیم.»<sup>۳۰</sup> مظفرالدین شاه ظاهراً در همین سفر دیداری با مسیوگوری داشته، زیرا از رادیوم صحبت به میان آورد و وحشتی که از دیدن آن در اطاقی تاریک پیدا کرده است.<sup>۳۱</sup> پاؤلی نیز در کتاب خود، اعلیحضرت‌ها به تفصیل آن را

نظم و ترتیب نگاه داشته در شاه پرستی و پیشرفت امور ابدأ یک ذره خودداری نکرده، الحال هم که مسند صدارت عظمی را چندی است به او سپرده‌ایم تمام هم خود را مصروف انتظام کار و اصلاح نواقص نموده، منتها درجه رضایت را از او داشته و به وجود این چنین نوکر قابلی که به درد دولت و ملت می‌خورد همه وقت احساس خوشوقتی نموده خرسندیم. علیهذا امروز او را به عطای نشان مزبور که واقعا از روی حقیقت و خدمت استحقاق آن را کسب نموده است، مفتخر فرموده‌ایم. اعلم‌الدوله حامل نشان و دستخط مبارک است.»<sup>۳۲</sup> جالب آن که نظر مردم نسبت به عین‌الدوله کاملاً برعکس شاه است و به قول عبدالحسین خان سپهر، مردم از اعمال ناشایست او تا صبح نمی‌خوابند و نفرین به او می‌کنند و اعلان‌های سخت می‌نویسند که ترا می‌کشیم و او اعتنا ندارد و مشغول کارهای خود است.<sup>۳۳</sup> مظفرالدین شاه همچنین راجع به عمیدالسلطنه چنین گزارش می‌دهد: «عمیدالسلطنه پل‌ها و راه‌های خیلی خوب ساخته، سوارهای او همه جا مرتب و کلیتاً از خدمتگزاری‌های او کمال خوشوقتی و رضایت داریم. نوکر بسیار خوبی است. هم خود، هم پسرهایش، هر نوع مرحمت نسبت به او می‌بذول خواهیم فرمود.»<sup>۳۴</sup> این در حالی است که ستم‌های عمیدالسلطنه نسبت به رعایای خود در تالش، ضرب‌المثل شده بود. زیرا او هفت‌سال همراه با قوای دولتی و قزاقان روسی با رعایای تالش جنگید. به طوری که هدایت در کتاب خود، خاطرات و خطرات می‌نویسد: به واسطه همین قتل‌ها بنا شد او را دم توب بگذارند (۱۳۱۶ هـ. ق.) لیکن به واسطه رشوه‌ای

## مظفرالدین شاه در این سفرنامه عقاید خود را در باب عده‌ای از رجال معروف مملکت به طور صریح بیان داشته که از خلال این مطالب طبعاً می‌توان به نحوه قضاوت و موارد دوستی و دشمنی او پی برد

شرح داده و رفتار ابلهانه شاه و همراهانش را با دیدن رادیوم بیان می‌کند.

از دیگر مطالب مندرج در این سفرنامه، شرح دیدار شاه از موزه لوور داستان شنیدنی دیگری است که باز پاؤلی نیز قصه این دیدار را ثبت کرده است. پاؤلی اظهار می‌دارد علیرغم تمام تردستی‌هایی که آقای لیگ برای عدم دیدار مظفرالدین شاه از تالار مخصوص ایران به عمل آورد، با تمام دل‌نگرانی‌ها، مظفرالدین شاه موفق به دیدن آن تالار شد و نه تنها از دیدن آن همه آثار تاریخی که تازه مقدار زیادی از آن نیز به خارج اطلاق منتقل شده بود، اظهار تأسف و ناراحتی نکرد، بلکه گفت من اگر در تهران موزه‌ای درست کنم، تالار مخصوصی برای فرانسه ترتیب خواهم داد.<sup>۳۳</sup>

مظفرالدین شاه همچون پدر خود ظاهراً علاقه‌مند به عکاسی بوده و در این سفر عکس‌هایی از صدراعظم و وزیر دربار و مناظر نیز برداشته است.<sup>۳۴</sup>

او از آنجایی که به مذهب پایبند بوده، علیرغم آن که در اروپا دل‌مشغولی‌های فراوانی داشته و فارغ از اوضاع و احوال مملکت نیز بوده، با این وجود فریاض دینی خود و مراسم مذهبی را به جای می‌آورده و در لابلای مطالب خود یاد می‌کند که نیم شب آقاسیدحسین را احضار نمودم، روضه بسیار خوبی خواند. دعای یاسین و دعای هنگام خفتن خوانده شد، راحت خوابیدیم.<sup>۳۵</sup>

مظفرالدین شاه همچنین راجع به احترامی که صدراعظم دربار قاجار نسبت به عقاید طایفه مالاکانها گذاشته و انعکاس آن عمل در روزنامه یادکوبه گزارش می‌دهد:

«این طایفه در ازون تپه ساکن بوده‌اند و عیسوی مذهبند که مشروبات را حرام دانسته و از دخانیات طوری احتراز دارند که می‌گویند دود قلیان یا سیگار احاطه به شیطان نموده او را با خود می‌آورد. اما آنان با وجود این عقیده کشیدن قلیان و سیگار آزاد در عبادتگاه است. ولی صدراعظم با وجود این تفقد کرده، قدغن کرد که کسی سیگار یا قلیان در عبادتگاه بکشد. رئیس مالاکانها خیلی متشکر شده و این امر را در روزنامه یادکوبه به تفصیل درج نمودند.»<sup>۳۶</sup>

### پی‌نوشت‌ها:

۱ - بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران، ج ۱، انتشارات زوار، چاپ چهارم، ص ۴۸۷.

۲ - ثقفی، خلیل خان (اعلم‌الدوله): روزنامه سفر سوم مظفرالدین شاه به فرنگ، نسخه خطی به شماره ۷۹۲ کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان.

۳ - مرسلوند، حسن: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۱، انتشارات الهام، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۱۵.

۴ - ملکزاده، مهدی: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، صص ۴۲۲-۴۲۱.

۵ - ثقفی اعزاز، حسین: دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله و مشروطیت ایران، مجله یادگار، سال چهارم، ش ۷، صص ۲۸-۲۹.

۶ - بامداد، پیشین، ص ۴۸۸ و نیز ر. ک عاقلی، باقر: روزشمار تاریخ ایران، ج ۱، نشر گفتار، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۲۵۹.

۷ - قزوینی، محمد: یادداشتهای قزوینی، ج ۷/۸، به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۶۳، صص ۱۶۴-۱۷۶ و نیز بنگرید به مقاله «یادی از یک استاد»، مجله یغما، س ۳۱، ص ۷۲۱.

عبدالحمیدخان متین‌السلطنه در ۱۳۳۵ هـ. ق. در تهران به قتل رسید. اعلم‌الدوله به غیر از او صاحب برادری به نام جلیل‌خان دبیرالدوله نیز بود.

۸ - علوی، ابوالحسن: رجال عصر مشروطیت، به کوشش حبیب یغمایی، بازخوانی و تجدید چاپ به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۲۶ و بامداد، همان، ص ۴۸۸.

۹ - آتابای، بدری: فهرست تاریخ - سفرنامه - سیاحتنامه - روزنامه و جغرافیای خطی - کتابخانه سلطنتی، ج ۱، ص اول، ۱۳۵۶، صص ۵۴۶-۵۴۵.

۱۰ - تاج‌السلطنه: خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصور، اتحادیه.

۱۱ - سپهر، عبدالحسین خان: مرآةالوقایع مظفری، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۰.

۱۲ - بامداد، پیشین، نیز بنگرید به اولین سفرنامه مبارکه شاهنشاهی [سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ] به تصحیح علی‌محمد مجیرالدوله.

۱۳ - پاؤلی، گزاویه: مظفرالدین شاه در فرنگ، ترجمه عباس اقبال، مجله یادگار، س اول، ش اول، ص ۱۵.

۱۴ - دومین سفرنامه مظفرالدین شاه به فرنگ، به تحریر فخرالملک، تهران، انتشارات کاوش، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۱.

۱۵ - براون، ادوارد، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه: مه‌ری قزوینی، کویر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹.

۱۶ - تاج‌السلطنه، پیشین، ص ۸۷.

۱۷ - گزاویه، پاؤلی، پیشین، ص ۲۳.

۱۸ - احتشام‌السلطنه، خاطرات احتشام‌السلطنه، ص ۵۰۵.

۱۹ - سپهر، پیشین، ص ۱۱۹، ۳۲۰.

۲۰ - نسخه خطی سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ به شماره ۷۹۲ کتابخانه سلطنتی گلستان، ذیل وقایع دوم ربیع‌الاول ۱۳۲۳.

۲۱ - سپهر، پیشین، ص ۱۵۳.

۲۲ - سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ (نسخه خطی) ذیل وقایع ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۳.

۲۳ - همان، ذیل وقایع ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳.

۲۴ - سپهر، پیشین، صص ۶۷-۶۸.

۲۵ - سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ (نسخه خطی)، ذیل وقایع ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۳.

۲۶ - هدایت، م، خاطرات و خطرات، ص ۱۴۷ و بامداد، همان، ج ۴، ص ۳۸۳.

۲۷ - سفرنامه سوم مظفرالدین شاه به فرنگ (نسخه خطی)، ذیل وقایع ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۳.

۲۸ - همان، ذیل وقایع ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۳ هـ. ق.

۲۹ - همان، ذیل وقایع، ۲۲ و ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ هـ. ق.

۳۰ - همان، ذیل وقایع ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ هـ. ق.

۳۱ - همان، ذیل وقایع ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۳.

۳۲ - پاؤلی، پیشین، صص ۲۳ و ۲۴.

۳۳ - همان، ذیل وقایع ۱۱، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ هـ. ق.

۳۴ - همان، ذیل وقایع ۱۸ و ۳۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ هـ. ق.

۳۵ - همان، ذیل وقایع ۱۳۲۳ هـ. ق.